

قانون جزای اتیوپی (حبشه)

(قسمت اول)

قانون جزای اتیوپی را بی‌اغراق باید یکی از کاملترین و مترقیانه‌ترین و روشنترین و دقیقترین قوانین کیفری معاصر دانست:

کمالش از این جهت است که قانونگذار کلیه‌اموری را که بزه دانسته در این قانون گرد آورده و بیان کرده است و بنا بر این، مقررات کیفری دیگری که در سایر قوانین پراکنده گشته و در زیر مواد و تبصره‌های قوانینی که هیچگونه عنوان قانون کیفری ندارد گنجانده شده و پنهان مانده باشد وجود ندارد.

مترقیانه بودنش بدینمعنی است که در تهیه و تدوین آن با وجود رعایت سنتها و آداب ملت اتیوپی و عرف و عادت دیرین مردم این کشور اسرار آمیز افریقائی نه تنها باراه و عقاید دانشمندان و حقوقدانان بومی مراجعه شده بلکه پژوهشها و بررسیهای مؤلفان و محققان عالیمقام و نامدار اروپائی در علم حقوق و مخصوصاً رشته حقوق جزا و جرمشناسی نیز مورد نظر واقع گشته و بقدر امکان و تا آنجا که اقتضاء داشته از بهترین روشهای قانونی جهان اقتباس گردیده است.

روشنی و دقت آن در اینست که هر بزه با عباراتی ساده و رسا و حتی المقدور رافع ابهام و خالی از اجمال تعریف شده و کیفر هر یک، جداگانه تعیین گردیده است. برای رسیدن باین هدف، قانونگذار، ناگزیر، بسیاری از مواد را بشماره‌های ۱ و ۲ و ۳ و بیشتر تقسیم کرده و گاهی هم در داخل این شماره‌ها بندهائی به ترتیب حروف الفباء قرارداد است. اگرچه این کار سبب افزایش شماره مواد و زیاد شدن حجم کتاب قانون شده است ولی باید اذعان

داشت که تهیه کنندگان قانون چاره دیگری نداشتند؛ و بعلاوه چون قانون شامل همه مقررات کیفری حتی بزه‌های نظامی و بزه‌های مربوط بحقوق بین‌الملل عمومی مانند کشتار دسته‌جمعی، جنایات جنگی، دزدی دریایی، استنکاف از احقاق حق در باره اسیران و زندانیان و زخمیان جنگی و همچنین امور خلافی است وجود هشتصد و بیست ماده در آن، با مقایسه نسبت بمجموع مواد مقررات کیفری در کشورهای از قبیل ایران و ترکیه و سوئیس و عراق و فرانسه و مصر غیرمتعارف نخواهد بود و نباید مایه دردسرو گمراهی و دشواری برای مراجعه کننده بآن بشمار آید. فائده بزرگ این تقسیم‌بندیها و شماره‌گذاریها اینست که شاکی با آسانی میتواند ماده‌ای را که موضوع شکایتش منطبق با آنست پیدا کند و آنرا مورد استفاد قرار دهد، دادستان در تنظیم کیفرخواست و بیان دعوی در دادگاه کمتر دچار اشکال میشود و کمتره‌جبهه‌تفسیر و تأویل میگردد، متهم و وکیل مدافع او میدانند که بر محور کدام قسمت از ماده قانونی باید دفاع کنند و برای دادگاه میسور خواهد بود که رایش را از حیث ذکر مواد قانونی بصورتی روشن و غیر قابل‌خنده و ایراد صادر کند تا در مراحل بعدی از فسخ و نقض مصون بماند و تمام اینها بر سرعت گردش چرخهای دادگستری در امور کیفری که فوائد آن بر کسی پوشیده نیست خواهد افزود و تا حدی از بحثهای بیجا و بی‌نتیجه و پسرش و پاسخهای بیهوده و بازی بر سر الفاظ و سوء استفاده از عبارات دو پهلو جلوگیری خواهد کرد.

نسخه‌ای از این قانون بوسیله «مرکز فرانسوی حقوق تطبیقی» بزبان فرانسه انتشار یافته و آقای «ژان گراون» (۱) رئیس دانشکده حقوق و رئیس دیوان کشور ژنو مقدمه تحقیقی فاضلانه‌ای بر آن نوشته که قسمت بزرگی از مطالب مندرج در این مقاله از آن مقدمه استخراج شده است.

توشیح و فرمان اجراء : این قانون در ۲۳ ژانویه ۱۹۵۲، روز ششم و پنجمین سالگرد تولد امپراطور در زیر عنوان دکد جزائی امپراطوری اتیوپی، توشیح شده و از روز پنجم مه ۱۹۵۸ مصادف با سالگرد آزادی کشور و تجدید سلطنت باستانی آن، وارد مرحله اجراء گردیده است.

اطلاع از چگونگی توشیح این قانون که علی‌القاعده در مورد قوانین دیگر نیز همانگونه رفتار میشود خالی از فایده نیست:

ماشیر پیروز قبیلہ یهودا (۱). هیلاسلاسی اول، برگزیده خدا، امپراطور اتیوپی. نظریه باینکه پیشرفتهای حاصل در اتیوپی تبدیل کد جزائی اتیوپی سال ۱۹۳۰ را ایجاب می کند. بدینجهات، بر طبق اصول ۳۴ و ۸۸ قانون اساسی تصمیمات پارلمان خود را تصدیق میکنیم و چنین مقرر میداریم :

۱- اعلامیه حاضر دارای عنوان « اعلامیه توشیح کد جزائی ۱۹۵۷ » بشمار می آید ،

۲- کد جزائی ۱۹۵۷ که در مجلد جداگانه منتشر شده و اولین شماره مخصوص سال ۱۹۵۷ روزنامه رسمی را تشکیل میدهد روز پنجم مه ۱۹۵۸ وارد مرحله اجرا خواهد گشت ،

۳- کد جزائی ۱۹۳۰ و کلبه قوانینی که تغییرات و اصلاحاتی در آن داده است از تاریخ پنجم مه ۱۹۵۸ منسوخ خواهد بود مگر آنکه قانون جزای ۱۹۵۷ خلاف اینرا مقرر دارد.

در آدیس آبیبا . پ . او . تساهاف . تزاز تا فارا و رک وزیر قلم (وزیر دربار) هنگام صدور فرمان اجراء قانون از طرف امپراطور دیباچه یا مقدمه ای بر آن افزوده شده که چون دارای نکاتی درباره اهمیت و روح کد جزائی است جا دارد که مفاد آن در این جا آورده شود :

مقدمه کد جزائی ۱۹۵۷

شیر پیروز قبیلہ یهودا. هیلاسلاسی اول، برگزیده خدا، امپراطور اتیوپی تدوین شعبه های عمده حقوق، هرگز در هیچ کشوری کار آسانی نیست. زیرا این کار باید در میان زندگی مردم و سنتهای ملی نه تنها با در نظر گرفتن تاثیرات حقوقی بلکه اجتماعی و اقتصادی و علمی که روز بروز چهره زندگی ما و کشور را تغییر میدهد و ناگزیر در زندگی آنان هم که پس از ما خواهند آمد مؤثر خواهد بود ریشه عمیق داشته باشد.

۱- یهودا چهارمین فرزند یعقوب است که مانع از کشتن حضرت یوسف بدست برادران شد و پیشنهاد کرد که او را بیازگان بفروشند . از اولاد یهودا قبیلہ ای بوجود آمد که بزرگترین قبایل بنی اسرائیل است و نسب اعلی حضرت هیلاسلاسی بساین قبیلہ می رسد .

این ملاحظات، در عصری که در سراسر جهان، گسترش مرزهای جامعه در نتیجه پیشرفتهای دانش، پیچیدگی زندگی نوین و افزایش متقابل حجم قوانین مستلزم اینست که اقدامات مؤثر ولی انسانی و آزادمنشانه برای تأمین وصول دستورهای قانونی، بهدفعهای خود معمول گردد، مخصوصاً در مورد حقوق جزا ارزش بسیار دارد.

مفاهیم جدید که از ثمرات علم حقوق و جامعه شناسی و روانشناسی و مسلماً کیفرشناسی میباشد، پدید آمده است و نمیتوان این نکات راهنگام وضع یک قانون کیفر مبتنی بر اصول عدل و آزادی که مقید بر پیشگیری و از میان بردن جنایات و مبارزه با تبه کار و اصلاح اوست فراموش کرد. کیفر را که مایه عبرت است نباید کنار گذاشت زیرا گفته اند «کسیکه ناظر کیفر شخص بدکاری باشد متنبه خواهد شد». بنابراین، مجازات باید بمنزله هشدار برای بزهاران احتمالی باشد.

از این جهت ما برای رعایای محبوب خود، چه آنانکه امروز هستند و چه آنانکه پس از این خواهند آمد، مسئولیت تضمین اینرا که قانونی که امروز توشیح میکنیم از هر حیث هماهنگ با این اصول عالی و مطابق با این اندیشه ها باشد برعهده می گیریم.

بدین منظور، ما شخصاً بر کارها و ملاحظات کمیسیون تدوین قانون که پس از سالها اقدامات مقدماتی، سه سال پیش بوسیله شخص ما تشکیل یافته بود و از آن زمان به بعد وظیفه خود را در کاخ ماتعیب کرده است نظارت داشته ایم. ما شخصاً اطمینان داریم که کارهای این کمیسیون بر پایه سنتهای باستانی و مقدس حقوقی امپراطوری ما، آنچنانکه بوسیله «قانون نجاشیان» و قوانین و تجارب اخیر و همچنین عرف و عادات عمومی همه اهالی الهام شده، بنا گردیده است.

همچنین ما نه تنها به تحقیقات دانشمندان و حقوقدانان شایسته خودمان بلکه بنظرات حقوقدانان عالیقدر اروپا مراجعه نموده و از بهترین سیستمهای قانونی جهان بهره بردار شده ایم. منابع خارجی بدقت مطالعه شده و بحدی که کافی برای رفع نیازمندیهای کشور ما بود و میتوانست بصورتی داخل شود که فعالیت نوی به نیروی ترقی و دادگستری و انسانیت بدهد مورد استفاده قرار گرفته است. همچنانکه سه سال پیش هنگام گشایش رسمی کارهای کمیسیون تدوین قانون گفتیم «اگر چه تیوپی از نظر دارا بودن یک سبک حقوقی که امروزه شاید کهنترین سبکهای حقوقی جهان باشد میتواند بخود بیابد، با این حال در تعقیب بهترین راه حلهایی که سایر قانونگذارها میتوانند در دسترس ما بگذارند، تاجائی که متناسب با روح و معنی خاص تأسیسات حقوقی ما باشد و بتواند با آن مطابقت کند تردید نکرده ایم. با اینهمه باید

روح کاملاً متمایز سنتها و تأسیسات حقوقی اتیوپی که قدمت و دوام آن بیمانند بوده است مبداء قرار داده شود.

در مباحث مربوط بقانون آئین دادرسی مدنی و کیفری و حقوق مدنی و بازرگانی و دریائی هم کمیسیون تدوین قوانین از همین قرار رفتار کرده است.

بنابراین، کد جزائی، گرچه از نظر کیفیت و معنی مهم است، تنها قسمتی از مجموعه مربوط به سایر و وسیع اصول مشروطیت تجدید نظر شده‌ای است که از روی کمال رضا اعطا کرده‌ایم و بدین منظور بوده که اصول عالی را که قانون اساسی از آنها الهام گرفته است به مرحله عمل درآورد. نیت ثابت ما این بوده که اولین ثمره این اقدام وسیع و مهم این باشد که بر اصول و حقوق انسانی مندرج در آن، حقیقت و معنویت بخشد.

یقین داریم که با تأییدات قادر متعال، منبع عدل و مبداء عقل و همه فضایل، قانون حاضر مایه آسایش و پیشرفت رعایای محبوب ما در حال و آینده خواهد بود. در آدیس ایبا در بیست و هفتمین سال پادشاهی ما، ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۷ هیل سلاسی اول، امپراطور.

پیش از آنکه درباره خصوصیات و مزایای این قانون سخن گفته شود اشاره مختصر بتاريخ حقوق اتیوپی لازم است.

حقوق مبثنی بر سنت و عرف و عادات

در کتابهای تاریخ و سیاحتنامه‌هایی که درباره کشور ملکه سبا و شاهان اکسوم و ژان راهب داستانی و امپراطوری افریقائی نجاشیان نوشته شده کم و بیش از قوانین کهن و عادات و عرف قضائی آنجا سخن به میان آمده است.

در این کتابها راجع بمسند قضات شهر اکسوم و قوندار، درخت محاکمه، درختی باشاخ و برگهای فراوان که پادشاهان قدیم در سایه آن میشستند و دادرسی می‌کردند افسانه‌هایی دیده می‌شود.

نویسندگان این کتابها ذوق و علاقه مردم حبشه را بحقوق و دادرسی و همچنین فصاحت و شأن و حیثیت و کیل مدافع را در آنجا شرح داده و اینکه قضات اعم از داور و حاکم محکمه که متبحر در قوانین هستند پیش از اعمال حکم اعدام یا مجازات بدنی به قانون مقدس شاهان که آنهم موافق با قدیمترین سنتها و اخبار و روایات است مراجعه میکنند، در کتابهای خود آورده‌اند.

با اینهمه نباید گفت که تا این اواخر و تا زمان امپراطوری جدید اتیوپی و تا سال ۱۹۳۰ و جلوس پادشاه فعلی و توشیح قانون جزای ۱۹۳۰، کشور اتیوپی در واقع قانونی بدون

و جامع نداشت، برای سکنه عیسوی قبطی ایالات قدیم «قانون شاهان» و برای سکنه شهر هرارو کرانه‌های دریای سرخ حقوق اسلامی و برای مردم بعضی نواحی که از قدیم بت پرست بودند و در زبان عامیانه آن‌ها افریقائی می‌نامیدند عادت منبع حقوق بود.

قانون شاهان

قانون نجاشیان (۱) یا «قانون شاهان» یک اثر حقوقی واجتماعی مهمی است که شامل قلمرو مذهبی و مدنی می‌باشد. نفوذ فوق‌العاده آن از این جهت است که کشور اتیوپی از دیرزمانی وابسته ب کلیسای قبطی اسکندریه بود: (۲)

نخستین اسقف آن سن فرمانس نام داشت که در اتیوپی با اسلام نامیده می‌شد در قرن سیزدهم میلادی بدستور بطریق سیریل سوم که می‌خواست در کلیسایش که ضعیف شده و از هر سو مورد تهدید قرار گرفته بود تغییرات و اصلاحاتی بدهد مجموعه قوانینی که بر اوستی اقتباسی از احکام مذهبی و مدنی، بود تهیه شد و این مجموعه می‌بایست بمنوان راهنما مورد استفاده واقع شود. منابع و مأخذ این مجموعه (کدسیریلی) (۳) کتاب عهد عتیق و کتاب عهد جدید تعدادی از نوشته‌های مقتبس از بیانات نخستین حواریون و همچنین نوشته‌های آباء کلیسا است. این مجموعه بدو قسمت تقسیم شده: قسمت اول مخصوص قواعد و آداب زندگی روحانی (فصل ۱ تا ۲۲) است و قسمت دوم اختصاص بامور دنیوی و حکومت دارد؛ این قسمت از حقوق «مدنی» متکی بر مجموعه‌ای از قواعد و احکام مجمع خلفا و حکمای الهی نیسه (۴) است که این مجمع بدستور کنستانتین امپراطور روم شرقی در سال ۳۲۵ میلادی تشکیل یافته بود «قانون نجاشیان» اثری است که صریحاً مربوط به کنستانتین و علماء روحانی می‌شود. این قواعد و احکام آمیخته با روایات متعدد تسورات که غالباً اصول اقتباس شده از قوانین ژوستینین را هم منعکس می‌سازد کتاب قانون معروف به «قوانین شاهان» را که گاهی «مجموعه قوانین امپراطوری» نامیده می‌شود تشکیل می‌دهد و همین مجموعه است که قرن‌ها در اتیوپی حکمیت داشته است؛ پس نباید از صفت توراتی و در عین حال اجیلی حقوق قدیم اتیوپی و خوبشاورندی دوران با سنت رومی بیزانسی که آنرا بحقوق فرانسه و اروپای بری نزدیک می‌سازد تعجب کرد. «قانون شاهان» که بزبان علمی کلیسای اتیوپی ترجمه شد بفرمان زارا یعقوب امپراطور (۱۴۶۰-۱۴۲۶) رسمیت یافت؛ نوشته‌ای که او دستار عدل و انصاف بود تا جائی که حکم اعدام پسرش

1- Fetha Negast

۲- عده مسلمانان سی درصد سکنه اتیوپی است.

3- Cyrille III

4 Nicé

را بعلت کشتن برده‌ای صادر کرد؛ این سلطان بطور مداوم «قانون شاهان» را مطالعه میکرد؛ از آن پس این کتاب قانون بعنوان يك مجموعه واقعی حقوق شرعی و عرفی که مضمون آن نوعاً مقدس و نقصان ناپذیر بود شناخته شد و راهبان و عالمان و ژوریس‌کنسولها بتعلم و تعلیم آن پرداختند. شرحی بر آن نوشتند و مردم را در طول قرن‌ها و نسلها با احترام آن واداشتند. این مجموعه مقدس و دقیق احکام و اوامر برآستی یکی از مفاخر تمدن قبطی- اسکندری است که مایه عزت و مباهات مؤلف و زمان تألیف و سرزمین افریقای خاوری بشمار می‌آید و موفق شده است که ملتی را که برای او تهیه شده بود تربیت کند و کلیسای قبطی را با احترام و معنویت اصلی خود باز آورد. این ترجمه در اتیوپی اساس و رکن قانون تلقی گردید و مانند يك مجموعه واقعی قوانین اعتبار و اشاعه یافت و به عبارت دیگر کد بزرگ اتیوپی، میباشد که راه قضاء و احقاق حق را با اجتماع و ملت حبشه نشان داده و اساس همه قوانین بوده که از قرن سیزدهم تا ام-روز در این کشور پهناور افریقائی بوجود آمده است و از اینجا گفته‌اند که «قانون شاهان» همراه با ایمان و اعتقاد سلسله پادشاهان آل سلیمان وثیقه دوام و مایه نجات کشوری بود که غالباً مورد تهدید قرار گرفته است.

خلاصه ای از قسمت مدنی، قانون نجاشیان

قسمت حقوق مدنی، یا عرفی از حقوق خانواده، تأسیسات اجتماعی، عقود مهم، شرکتها و موارد غیره سخن میگوید. سپس از اصول دادرسی که عبارت از اقرار و قضات و شهود باشد (فصل ۳۹ تا ۴۳) و در پایان از حقوق جزائی (فصل ۴۴ تا ۵۰) بحث میکند. در فصل ۴۴ که فصل و پادشاهان است علاوه بر موضوعات دیگر از مقررات راجع به سر نوشت زندانیان و پناه دادن فراریان و خیانتکاران بهمین بحث میشود.

فصل ۴۵ شامل قواعدی در خصوص مسئولیت در مورد خسارت وارد بر اشخاص ثالث بوسیله حیوانات یا ساختمانهای خطرناک و راجع به استرداد اشیاء گم شده و تقلب است. در فصل ۴۶ مقررات شدیدی راجع به خائنین و مرتدین و کفر گویان و جادوگران و مباشرین طلسمات مضرو علیه کسانی که میکوشند مردم را از ایمان و عقیده بمسیح برگردانند و علیه بت-پرستان و علیه اشخاصی که بانواع مختلف موهومات و خرافات معتقدند و یا «عقاید باطل دیگری» دارند وضع شده است. فصل ۴۷ راجع بقتل نفس، فصل ۴۸ مربوط بزنا، فصل ۴۹ در خصوص دزدی و راهزنی است. بالاخره فصل ۵۰ راجع به «تقصیرات مختلف دیگر» شامل بیکرشته قواعد و ضوابط در خصوص مستی، رباخواری و استعمال متقلبانه مهر سلطنتی است؛ در این فصل مجازات فرزند سرکش، مقتری و شاهد کاذب، معین شده و برای حریق غیر عمدی

یا عمدی ، تصرف عدوانی و اشغال دیگران از روی قهر و غلبه و ایجاد هرج و مرج در مجالس و مجامع عمومی کیفرهایی مقرر گردیده و قواعدی در خصوص حق پناهندگی در معابد و امور دیگر بیان شده است . بنابراین در لوحه زندگی دیرین اتیوپی بزه های ابتدائی عادی بر ضد مذهب ، عادات ، اجتماع ، عقاید عمومی ، اشخاص و اموال وجود داشته است .

مفهوم کلی حقوق جزا در اتیوپی قدیم

از آنچه گفته شد معلوم میشود که مفهوم کلی حقوق جزای اتیوپی مفهومی کاملاناشی از مذهب مسیحی است (۱) و از اینکه در مقدمه فصول راجع به حقوق جزا فصل مربوط به پادشاهان و رؤسا قرارداد شده و در آن فصل تکالیف این اشخاص که زمامداران کشور هستند تعیین گردیده این نتیجه بدست میآید که در اتیوپی قدیم حقوق جزا جزء حقوق عمومی بوده همچنانکه امروزه هم حقوق جزا را جزء تقسیمات حقوق عمومی می‌شمارند.

لزوم رعایت قانون و اطاعت او امر حکام و مجازات جانی و خاطی در اتیوپی ناشی از این عقیده بوده که حکام عادل و ظائفی مقدس و الهی دارند. در این باره بولس قدیس (۲) در نامه خود خطاب بر رومیان نوشته است: دهمه صاحبمنصبان از جانب خدا منصوب شده‌اند و او بآنان قدرت و قوت بخشیده است، هر کس که نسبت بصاحبمنصبی تمرد کند و فرمان او را گردن نهد مانند اینست که بخدای بزرگ و آفریدگار توانا نافرمانی کرده است؛ بنابراین کسانی که در برابر او مقاومت میکنند مجازات خواهند شد. وجود رؤساء و صاحبمنصبان نه برای مردم نیکوکار بلکه برای کسانی که کارهای بد میکنند مایه ترس است. پس توای انسان ، اگر نمیخواهی که از صاحبمنصب بترسی کار نیکو بکن؛ ولی چون کار بدی کردی از صاحبمنصب بترس زیرا او بیهوده شمشیر بر کمر نه بسته است، او وزیر خداست و هنگام خشم (مشروع) خود از کسانی که کارهای بد میکنند انتقام میگیرد و آنانرا کیفر میدهد، باین دلیل است که ما باید نه تنها بملت ترس از خشم او بلکه بحکم وجدان خودمان مطیع او امر او باشیم و انکهی خود پادشاه باید در درجه اول دادگرو دادگستر باشد. شاه باید در میان ملت حکم بحق کند، نه طرفدار خود و نه طرفدار دیگری باشد خواه این اشخاص از فرزندان یا دوستان یا اقوام او یا از بیگانگان باشند. پادشاه خوب عدل را دوست دارد ولی پادشاه بداندیش از بدی و بیدادگری طرفداری

میکند و روان خود را آلوده میسازد، حضرت سلیمان گفته است که دادگری و باری بستم دیده بهتر از قربانی کردن و انفاق در راه خداست بنا بر این واقعه عدل و تصدی منصب قضا در حکم نمایندگی خدا برای وادار کردن مردم بحفظ حرمت قانون الهی است که با قانون بشری ناشی از یک مقامی که از روی استحقاق عهده دار امری از امور حکومت است بهم میآمیزد و قاضی در امور مردم بود بشرع و عرف دادرسی میکند،

در فصل ۳۵ در زیر عنوان «امور مستخرج و مقتبس از کتاب عهد عتیق و عهد جدید که باید بآنها اشاره شود تصریح شده است که چون انسان مرکب از جان و تن است اقتضای دارد که دو قانون یا داده شود: «قانون خارجی» که قانون قضائی است و ناظر به نظم و ثبات اشیاء مادی و محسوس و احکام جرمها است؛ قانون داخلی یا باطنی و روحی که قانون کمال و تزکیه است و ثبات امور و اشیاء معنوی را مورد نظر قرار میدهد.

این دو قانون اکثراً با هم تلفیق میشوند زیرا دومی برای نسخ و حذف اولی نیامده است چه آنکه حضرت عیسی گفته «من برای ازمیان بردن قانون نیامده‌ام بلکه برای تکمیل آن آمده‌ام». اقامه عدل و اعمال مجازاتهای قانونی از طرفی و وجود عذابهای روحی از طرف دیگر برای حفظ نظم در میان مردم نقش بزرگی دارد. در پایان همین فصل این مجازاتها یکایک شمرده شده است و میدانیم که در قرون وسطی در جهان مسیحیت اعمال اینگونه مجازاتها تسمتی از حقوق بوده است.

این اصول طبعاً در یک جامعه شبانی و جنگی تقریباً توراتی، جامعه‌ای که در آن در کنار پادشاه و راهب و قاضی، آقا و بنده، سرباز و زندانی او، متدین و بی‌دین، زنان زناکار و روزگر متقلب، قواد و جادوگر، رمال و فالگیر، شکارچی مسلح و کشاورز رنجبر دیده میشوند، قابل اعمال است و جادوگر که برقراری این اصول در اتیوپی قدیم مایه حیرت و اعجاب و تحسین برای ما باشد زیرا در میان این قواعد راه‌حلهائی در مورد مسئولیت و قابلیت مجازات (۱) و شرکت در بزه‌ها و تناسب مجازات با تقصیر دیده میشود. اشتباه، اجبار، دفاع مشروع، حالت ضرورت و اضطرار، تحریک و معادنت در جرم مورد نظر قرار گرفته است. رجوع بموارد منازعه و وقایع حادث در اثناء آن که امروز هم مورد ابتلاء مراجع قضائی است از روی نوعی ذوق سلیم و دقت نظر حقوقی راه‌حلی ذکر شده؛ «شخصی بودن تقصیر» (۲) آشکارا مورد تأیید قرار گرفته و تصریح گردیده است که «پدران را نباید بجای فرزندان آنان اعدام کرد؛ برای جرمهای پدر، پسر را مجازات نمیکنند، فرزندان را بجای پدران کیفر نمیدهند». همچنین است در

1-Culpabilité

2- Personnalité

مورد تطبیق مجازات با حالات مجرم (۱) و در این باره تشریح شده است که برای همه تقصیرات يك سنخ رأی صادر نکنید؛ مجازات کسی که بوسیله افعال مرتکب جرم و گناه میشود نباید با مجازات کسی که از راه گفتاریا اندیشه مرتکب میگردد یکسان باشد. اشخاص هستند که وقتی که مرتکب جرم شدند يك تندى یا يك سرزنش برای تنبه آنان کافی است، مجرمینی هستند که باید از آنان برای تأمین زندگی فقرا و ورزده داران جزای نقدی گرفت، برخی از این بزهکاران هستند که بعنوان مجازات باید آنانرا از کلیسا بیرون راند، همه این اقدامات به میزان تقصیری خواهد بود که اشخاص مرتکب میشوند زیرا قانون موسی مجازات یکسان برای همه مقصرین مقرر نمیدارد. مجازات کسیکه عمداً مرتکب گناه میشود با مجازات کسیکه بدون عمد مرتکب آن میگردد یکسان نیست. در حق برخی مردم تعیین مجازات اعدام لازم است، برای عده دیگر تازیانه، برای دسته دیگر جزای نقدی شایسته است و گروهی را هم باید قصاص کرد؛ این مجرمین باید آنچه را که درباره دیگری میخواستند بکنند خورد متحمل شوند. بنا بر این مجازات را که باختلاف مقصرین فرق میکند بشناسید تا نگرانی بشما روی نیآورد زیرا گفته اند « انسان که در حق دیگران دادرسی میکنید در بساره شما دادرسی خواهند کرد».

برای برخی اشخاص ممکن است فکر کودکانه ای پیش آید و از مجازاتهای که در زمانهای قدیم و در جوامع ابتدائی معمول بوده و از اصول و ضوابطی که مردم آن زمان برای جرم شناختن عملی پذیرفته بودند و اختلافی که مفاهیم جرم و مجازاتهای آن دوره با زمان ما دارد تعجب کنند.

طبیعی است این نوع مجازاتها متناسب با جوامع ابتدائی است، جامعه ای که پیش از هر چیز در فکر حمایت خویش است. جرم شناختن اعمال و تعیین انواع مجازاتها با عقاید و احتیاجات و اخلاق مردم نسبت مستقیم دارد.

در چنین جوامعی این امر طبیعی و حتی ضروری است که میان مردم فکر انتقام، تطهیر گناهکار و بزهکار و اعمال عقوباتی که سبب عبرت دیگران گردد وجود داشته باشد؛ معمولاً هدف این مردم مجازات اشخاص شرور و ایمن ساختن مردمان خوب و پیشگیری از تجدید جنایات است. و تعجب آور نیست که شخص بهمان منظور که مرتکب جرم شده خود نیز مجازات شود تا از این راه مجازات متناسب با تقصیر باشد و مردم هم با سانی دریا بند که هر میزان که مرتکب جرم شدند مجازات خواهند شد؛ مجازات اعدام برای آدمکش، آتش انداختن برای کسیکه مرتکب حریق میشود، بریدن زبان برای سوگند دروغ، بریدن دست برای

کسیکه سوء استفاده از مهر سلطنتی میکند یا سکه قلب میزند، مجازات شلاق در باره شخص پست و متجاهر نفس، تیر باران برای کسیکه تفنگ بدشمن میفروشد. و نباید تعجب کرد که در یک سیستم حقوقی که در آن جنبه‌های شخصی بودن توهین و خسارات ناشی از جرم و جنایات غلبه دارد مجازات قتل نفس ناگهانی و غیر عمدی و بدون سبق تصمیم در مقابل گذشت خانواده مقتول و کیسای ممین قابل خریداری باشد.

در کتب حکایات و سیاحتنامه‌ها راجع بصحنه‌های اجراء مجازات و عجز و التماس مقصرین و غراماتی که آنان در مقابل عفو خود حاضر به پرداخت آن بودند مطالبی آمده که فقط صورت داستان و حکایت دارد و فاقد ارزش از نظر بحث است. حقیقت اینست که جهانگردان بیخبر از تاریخ حقوق که حقوق اتیوپی را «ظالمانه» و وحشیانه معرفی کرده‌اند چون شاهد اجراء مجازاتهای سخت مانند گردن زدن قاتل و یا دار زدن او بودند و همچنین با تش انداختن در تکب حریق و قطع انگشتان مجرم و تازیانه زدن او را دیده یا داستانهای از این امور شنیده‌اند ندانسته گفته‌اند که اتیوپی حقوقی وحشی و دور از حدود انسانی دارد ولی نه توجه با اخلاق و عادات و معتقدات مردم اتیوپی داشته و نه مواردی را که حقوق اتیوپی برای رهایی مجرم از عذاراتها معین کرده و راه نجات از قبیل گذشت شاکی، باز خرید مجازات پیش پای مردم گذاشته است تجزیه و تحلیل کرده‌اند، اینها مجازاتهای شدید و رفتار دور از انسانیت با مقصرین را که تا اواخر قرن هیجدهم در میان ملتهای «متمدن» اروپا نیز معمول بوده است از نظر دور داشته‌اند.

این نکته را هم باید مورد توجه قرار داد که در این کشور نظر با اعتقادات دینی و باحافظ مقامی که برای پادشاهان قائل بودند و آنانرا مأمور از جانب خدا میدانستند، محض رعایت عدل، برای اینکه حقی از متهم بقتل پایمال نشود مقرر این بود که تنها نجاشی حکم اعدام صادر کند؛ ولی اغلب اوقات شخص نجاشی برای اینکه در نتیجه صادر کردن حکم اعدام میبندی بر اشنباه و خطا در آخرت گرفتار عذاب الهی نشود و یا بنا باین عقیده که تنها خدا که آفریدگار و زندگیدار است حق باز گرفتن آنها را دارد، شخصاً از صادر کردن حکم اعدام خودداری میکرد و دستور میداد که در دادگاه سلطنتی کتاب قانون مقدس را باز کنند و بخوانند تا صادر کننده حکم اعدام در واقع خود قانون باشد. آثار این سنت امروز هم در اتیوپی باقی است و فقط امپراتور میتواند قابل اجراء بودن حکم اعدامی را اعلام دارد.

بطور خلاصه میتوان گفت که اصول حقوق جزای اتیوپی که در قانون پادشاهان، تصریح شده شایان توجه است و نسبت بزمان خود حقوق پیشرفته‌ای باید شمرده شود. حقوق جزای اتیوپی باقتضاء زمان و تحولاتی که در زندگي مردم آن سرزمین روی داده بتدریج رو به اصلاح است

نهاد و خشونت که نوعاً اینگونه قوانین چه از حیث رسیدگی و تحقیق و چه از جهت تعیین مجازات و کیفیت اجرای آن دارند از دست داده است.

در این باره، رئیس دفتر سفارت فرانسه در ادیس ابابا گزارش رسمی در سال ۱۹۲۲ داده و نوشته بود که در زمان نفوذ افکار غربی در اتیوپی، مجازاتهای بدنی بندرت مورد عمل قرار میگیرد. تحولات زندگی مردم اتیوپی و گرایش حقوق این ملت بطرف حقوق غربی سبب شد که قانون جزای سال ۱۹۳۰ تقریباً بدون برخورد بمانعی مورد قبول عامه قرار گیرد.

قانون جزای ۱۹۳۰

برای تدوین قوانین جدید، اولین کوشش که شروع شد در زمینه حقوق جزا بود. مقدم داشتن حقوق جزا بر سایر رشته‌های حقوق امری طبیعی بود زیرا اقتضا داشت که حقوق جزا هر چه زودتر از عادات باستانی جدا شود تا نه تنها با احتیاجات زمان مطابق آید بلکه آزادی افراد را تأمین کند و اصل رعایت قانون (۱) را که در حقوق نوشته دنیای معاصر اصل مسلمی بشمار می‌آید رسماً بپذیرد و با سیاست کلی اتیوپی که بی‌خواست افکار نوی را جامه عمل بپوشاند و روابط بین‌المللی با جهان متمدن برقرار سازد مناسب باشد. قانون جزای تمکت ۱۹۲۳ (سالنامه محلی) (۲) برابر با دوام نوامبر ۱۹۳۰ هنگام تاجگذاری اعلیحضرت هیلاسلاسی اول (۳) توشیح و انتشار یافته است و دارای دیباچه مهمی در بیست و دو ماده است و در این دیباچه علت غائی این قانون در روح و منطقه نفوذ و میدان عمل آن و نتایجی که از آن انتظار می‌رود بیان شده است. قانون مشتمل بر دو قسمت است در قسمت اول اصول کلی مجازاتی و شرایط قابل مجازات بودن اشخاص ذکر شده قسمت دوم که در

1- Légalité

(۲) سالنامه محلی اتیوپی با سالنامه های میلادی جهان هفت سال اختلاف دارد و علت آن اینست که مطابق داستانهای اتیوپی خبر ولادت حضرت عیسی بعد از هفت سال بکوههای حبشه رسیده است و تاریخ وصول این خبر مبداء تاریخ اتیوپی میباشد.

(۳) - مطابق سنت کشور حبشه پس از آنکه کسی پادشاهی رسید نام سلطنتی اختیار میکند، و هیلاسلاسی سوم نام سلطنتی پادشاه فعلی اتیوپی است و معنی آن قدرت تثلیث مقدس است و چون زبان جشی از ریشه زبان سامی است ظن قوی بر اینست که «هیلا» در زبان حبشی و «حول» (بمعنی قوه و قدرت) در زبان عربی از یک ریشه باشند و همچنین سلاسی در زبان حبشی و ثلاثه در زبان عربی.

واقع جزای اختصاصی است شامل تعریف و مجازات جرمهای علیه دولت و اشخاص و اموال و همچنین امور خلافی میباشد (کتاب ۲ و ۳ و ۴ و ۵)

در دیباچه قانون با تصریح بایمان و علاقه به ترقی و لزوم برقراری عدل و انصاف نشان داده شده که چگونه قانونگذاری متحددمی تواند از روح عدل و اصلاح طلبی «قانون شاهان» الهام بگیرد و خاطر نشان گردیده که اصول قوانین جدید اروپائی که امروزه سر مشق مردم جهان میباشد در این قانون هم تا حدودی قبول شده است (۱).

از حیث اصول و مفاهیم کلی حقوق میان قوانین اروپای بری و کشور ایتوپی شباهت آشکار دیده میشود و علت آن اینست که اصول و مفاهیم حقوق رم که مستقیماً بکشورهای اروپائی رسیده بکشور ایتوپی هم بطور غیر مستقیم و از راه کلیسای اسکندریه منتقل شده و قانونگذاران ایتوپی با رعایت آداب و سنن کشور خویش باین اصول جامه نوی پوشانده اند و قانون جزای ۱۹۳۰ اولین اقدام و کوشش بسیار قابل تمجیدی است که در کشور باستانی ایتوپی برای تطبیق حقوق قدیم با نیازمندیهای روز ممول شده و راه را برای تدوین قوانینی که کشور را بسوی پیشرفت و آسایش ببرد باز کرده است.

قانون جزای ۱۹۳۰ - ۱۹۲۳ ایتوپی دارای خصوصیات و مزایائی است که می توان در پنج قسمت خلاصه کرد :

۱- تعریف صریح و روشن جرمها و مجازات آنها - همچنانکه در پیش گفته شد حقوق جزای قدیم ایتوپی بر روی «قانون شاهان» یا عرف و عادت استوار بود و از این جهت بسا اتفاق می افتاد که قضات پس از تشخیص مجرمیت متهم و اعلام ثبوت تقصیر او ، چون قانون صراحت نداشت ، نمی دانستند درباره او بچه محازاتی رأی بدهند و ناچار بودند که در رای خود باین اکتفاء کنند که مجرم باید مجازات شود و او را برای « مجازات » نزد مقامات شایسته حکومتی اعزام دارند . این نقص حقوق جزا بوسیله قانون ۱۹۳۰ بر طرف شد و در کار قضاء سهولتی ایجاد گشت و قضات از این بیبده توانستند اموری را که جرم شناخته نشده تشخیص دهند و رأی کامل صادر کنند و برای مردم که سالها از قانون جزا و انواع جرمها و مجازاتها ، بملت عدم تدوین و عدم صراحت آن بحدی که برای عوام قابل فهم باشد ، بیخبر بودند راهی

(۱) یعنی گفته اند که قانون جزای ۱۹۳۰ ایتوپی نسخه بدل قانون جزای سیام است که قانونگذار ایتوپی با تغییرات جزئی بنام خودش تهیه و تدوین کرده است. عقیده بعضی اینست که بسیاری از خطوط و نکات عمده آن از قانون جزای هند و چین اقتباس گردیده است ولی اکثر حقوقدانان اروپائی آنرا اقتباسی از قوانین جزائی اروپائی می دانند .

باز شد تا جرمها و مجازاتهای آنها را بشناسند و از ارتکاب با عملی که مایه گرفتاری و باعث ضرر مالی و جانی است بپرهیزند .

۲ - تعدیل کیفرها - علاوه بر تصریح نوع جرمها و تعیین حدود کیفرها که گام بزرگی بسوی تجدد در حقوق جزا و پذیرفتن اصول حقوق جزای امروزی جهان تمدن است ارزش دیگر این قانون در اینست که در نوع و میزان کیفرها تعدیل و اصلاحات مهمی نسبت به ترتیب سابق داده شده است : کیفرهای نقدی با شرایط اقتصادی و پولی جدید اتیوپی هماهنگ شده و با هزینه و درآمد و قدرت مالی اشخاص تطبیق کرده است (۱) . قطع اعضاء بعنوان مجازات از قانون کیفر حذف شده و بکلی ممنوع گشته و دیگر اثری از قصاص در حقوق جزای جدید اتیوپی دیده نمی شود . در میان کیفرهای بدنی تنها شلاق زدن بعد از تردیدها و بتقلید از بعضی کشورها قبول شده ولی تعداد ضربات مجاز و کیفیت اجراء آن دقیقاً معین گشته و فقط در موارد نادر و بزه های مهم از قبیل سرقت مقرون بتهدید یا سرقت در حال حمل سلاح مقرر گردیده است بملاوه صریحاً پش بینی شده که قضات در صورت وجود کیفیات محفنه و باقتضای موارد می توانند بجای مجازات شلاق جزای نقدی معین کنند . مجازات زندان و هر نوع مجازات سالب آزادی را نمی توان با تغییر دادن کیفیت اجراء آن تشدید کرد . ضبط و توقیف اموال بعنوان مجازات کاملاً مردود شده و بملاوه برای احترام از اینکه اجراء این مجازات شخص محکوم و خانواده او را بکلی نابود سازد مقرراتی در باره اموال غیر قابل بازداشت وضع گردیده است حکم اقامت اجباری برای مدت غیر معین را فقط «دادگاه امپراطور» می تواند صادر کند . مجازات اعدام بدون اطلاع قبلی امپراطور تأیید و اجازه صریح او قابل اجراء نیست . بنا بر این آنچه که برخی از مسافران نزدیک بین حکایاتی تاثر آورده یا داستانهایی هولناک از مثله کردنهای گوناگون ، شلاق زدن تا دم مرگ ، داغ کردنهای با آهن سرخ یا اعدام بوسیله آتش در کشور اتیوپی کنونی نوشته اند اگر از روی تممد و غرض خاص نباشد لااقل مبغی بر اشتباه است . اینها زائیده وهم و خیال و یا استخراج از داستانهایی است که افسانه پردازان و داستان سازان در کتابهای خود آورده اند و بهیچوجه جنبه علمی ندارد و از نظر مطالعه در رژیم جزائی اتیوپی نمی تواند ماخذ باشد . اشخاص مطلع تصدیق کردند که این قانون

(۱) تا سال ۱۸۰۰ (مطابق سالنامه محلی) واحد غرامت یا خسارت زیان دیده از جرم ، دواب و مواشی بود ، از سال ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ کلوخه نمک بعنوان واحد غرامت و خسارت محسوب می شد ، از آن بیعد چون تالر نقره (واحد پول اتریش) در اتیوپی رواج یافت غرامت خسارت را با پول رایج می پرداختند مدتی بعد تالر اتیوپی در خود کشور ضرب شد و طبعاً وسیله معامله و پرداخت قرار گرفت .

جزا نسبت بزمان خود با توجه باصولی که قبول کرده قانونی پیشرفته بوده و تهیه و تدوین آنرا باید اقدامی شجاعانه و بسیار سودمند برای آن کشور دانست . اگر حقوق اتیوپی تا زمان تدوین قانون جزای ۱۹۳۰ ، ظالمانه و وحشی بنظر آمده صرفاً برای اینست ، که برخلاف حقوق کشورهای که امروزه کشورهای پیشرفته نام دارند در همان قرارگاه نخستین باقی مانده و تا ۱۹۳۰ تحولی محسوس ندیده و از این جهت در چشم ناظران خارجی بدون توجه بتاریخ حقوق ، حقوقی وحشی و ظالمانه جلوه کرده است این اشخاص از این نکته غافل مانده اند که در همین کشورهای «پیشرفته و متمدن» هم تا یکصد و پنجاه سال پیش از تدوین این قانون جزای اتیوپی مجازاتهای سخت و هولناک و شکنجه‌هایی که از شنیدن آنها موی بر بدن راست می شود بصورتی بیرحمانه ترو وحشیانه تر اعمال میشده است ، بهر حال مجازاتهایی که در کشور اتیوپی پیش از این قانون معمول بوده با افکار زمان خود و اینکه مقصود از مجازات پاک کردن مجرم از لوث گناه و حفظ جامعه از شر خطاکاران و جهان‌نیان است مطابقت داشته و این نکته را هرگز نباید فراموش کرد .

۳ - تطبیق مجازات با حالات روحی و جسمی فرد (۱) - اصل تطبیق مجازات

با حالات روحی و جسمی هر فرد بطور کلی در این قانون قبول شده است صرف نظر از ترتیبی که بمنظیر رعایت این اصل مقرر گردیده قبول این اصل بر ارزش قانون از نظر علمی و اصول حقوق جزا افزوده است . در قانون سعی شده که کیفر با نوع تقصیر و درجه اجتماعی مقصود میزان درآمد و هزینه و قدرت مالی او متناسب باشد ، مقصود اساسی اینست که کسیکه زندگی پر آسایش دارد و از راه زراعت و تجارت و غیره سود بیشتری می برد نوعاً در صورت تقصیر باید بیشتر از دیگری مجازات شود تا تساوی حقیقی در دادگستری و رفتار حقوقی متناسب با وضع هر کس تامین شود . باین نکته در مقدمه قانون چنین اشاره شده است « . . . از طرف دیگر بویژه در این ادوار اخیر شماره کسانی که از روی جهل بقانون مرتکب بزه شده اند بیشتر از اشخاصی بوده که با وجود آشنائی بقانون دست بارتکاب جرم زده اند از این جهت باید میان این دودسته فرق گذاشت یعنی حالت کسی را که تنها بر اثر يك اعمال و غفلت مرتکب بزه می شود از حالت کسی که از روی قصد و اراده مرتکب آن می گردد تمیز داد . عیبی مسیح همچنانکه در انجیل لوقا آمده گفته است کسیکه بیشتر می داند بیشتر مجازات خواهد شد و مجازات کسیکه کمتر می داند کمتر خواهد بود . همچنین «عقلاء» با ملاحظه اینکه تعیین مجازات مساوی برای شخص کامل و با شعور و شخص نا بالغ و مختل المشاعر عادلانه نخواهد بود دستور داده اند که مجازات بترتیبی مقرر شود که اشخاص کبیر و رشید

وعاقل بیشتر از مردمان صغیر و ناقص و کم شعور کیفر ببینند در بزه توهین و ناسزا و دشنام باید شخصیت کسی که با توهین شده از نقطه نظر موقعیت اجتماعی او و شدت دشنام مورد توجه قرار گیرد. رفتار یکسان در تمام موارد عادلانه نخواهد بود. اشخاص متمین و غیر متمین نباید یکسان مجازات شوند و در میان مردم با شخصیت و متمین هم آنکه مقامش بالاتر است متناسب مقام خود باید غرامت دهد و پولی که از این راه بدست می آید بمصرف مدارس و فقرا خواهد رسید.

۴- جزایهای نقدی - قسمت عمومی قانون جزای ۱۹۳۰ علاوه بر مبالغی که مرتکب بزه باید برای جبران ضرروزیان طرف پردازد شامل جزایهای نقدی است که در تعیین مقدار و میزان آن اموری از قبیل ارتکاب جرم بعلمت پستی و دنائت، سوء استفاده از قدرت، حسد، خیانت، فکر انتقام، غضب، خروج از حال طبیعی، حالت دفاع مشروع تأثیر دارد. حداقل و حداکثر این جزایهای نقدی در مورد اشخاص مختلف تعیین و تصریح شده است و این اشخاص به ترتیب عبارتند از فرزندان بزرگان حتی فرزندان نجاشی، رؤسا و صاحبان منصبان از درجات و عناوین مختلف، قضات، کارمندان کشوری و لشگری و مردم عادی چه فقیر و چه غنی.

۵- کیفیات مخففه و مشدده - در مورد نادانی مفروض در خود قانون وجود جهاتی از قبیل نقصان هوش متهم و یا پشیمانی و اعتراف ساده و بیمقدمه او تخفیف مجازات تجویز شده و تکرار و تعدد جرم از موجبات تشدید کیفر ذکر گردیده است بطوریکه ملائطه می شود قانونگذار سال ۱۹۳۰ به لزوم رعایت اصول تطبیق مجازات با خصوصیات روحی و جسمی هر مجرم و تناسب مجازات با شدت جرم و همچنین دواعی (۱) ارتکاب بزه و اوضاع و احوال و شخصیت مرتکب توجه داشته است. وسائل و مقتضیات آن زمان تجاوز از حدی را که قانونگذار وقت در زمینه رعایت این اصول برای خود قائل بوده است نمیداد. و قهراً از این حیث نقائص در قانون وجود داشته است. این نقائص چنانکه بعداً خواهیم دید در قانون جزای اخیر بر طرف شده و اصول و قواعد حقوق جزا بصورتی مرتب و موافق با فن قانونگذاری امروزی در آمده است.

قسمت جزای خصوصی: در قسمت جزای خصوصی همچنانکه رسم قوانین کیفری کلاسیک میباشد سه چیز مورد حمایت قانونگذار واقع شده و شامل سه کتاب است:

کتاب دوم (از ماده ۱۶۰ تا ۲۷۲) درباره جرمهای برضد دولت و اجتماع،

کتاب سوم (از ماده ۲۷۳ تا ۴۱۵) مخصوص جرائم نسبت با افراد ،
کتاب چهارم (از ماده ۴۱۶ تا ۴۶۸) راجع باموال. در قسمت جزای خصوصی غالباً
جرمهای مختلف با مجازات هر يك تصريح شده است. امور خلافی هم در قسمت جزای
خصوصی ذکر شده و کتاب پنجم را (از ماده ۴۶۹ تا ماده ۴۸۷) تشکیل می دهد. قسمت
امور خلافی شامل مقرراتی است که رعایت آن برای گردش امور و حسن انتظام زندگی و نظم
اجتماعی کشور ضرورت دارد. مقررات قسمت جزای خصوصی در قانون جزای ۱۹۵۷ با
تغییرات و اصلاحاتی که مناسب زمان باشد پذیرفته شده است.

واضح است که قانون جزای ۱۹۳۰ که اولین گام عبور از سیستم جزائی باستانی به
سیستم جزائی جدید بود با ملاحظه جریاناتی که در جهان پیش آمد و تحولاتی که در کشور
اتیوپی خاصه در نتیجه بروز جنگ دوم جهانی روی داد دیگر تناسبی با زندگی اجتماعی و
سیاسی و حتی زندگی خصوصی مردم نداشت. بدین توضیح که هنوز هم بسیاری از آثار سیستم
جزائی قدیم را که سختی و خشونت خاصی داشت نشان میداد؛ مثلاً در مورد غرامتهای مختلف
و مأخذ و میزان آنها تا حدی از اصول حقوق فئودال پیروی شده بود؛ در مورد مفاهیم کلی کیفیات
مشده و محفنه، علل و موانع مجازات، عفو و بخشودگی روش صحیحی که در واقع مانع
قوانین امروزی بتواند مقدره مجازات را با میزان تقصیر منطبق سازد بکار نرفته بود، در خصوص
قتل نفس مانند تریب حقوق جزای قدیم اتیوپی، در قانون جزای ۱۹۳۰ هم این جنایت قابل خرید
اعلام شده و گذشت اولیاء از موارد معافیت از مجازات بشمار آمده بود و در واقع قتل نفس از
جنایاتی که امروزه «دارای جنبه عمومی» محسوب میگردد نبود. با توجه باین مراتب
بسیار ضرورت داشت که در قانون جزا تجدید نظر شود تا آشفتگی حقوق جزای
اتیوپی و اشکالاتی که بقاء بعضی سنن دیرین در قانون جزا پیش آورده است از
میان برود.

اصلاحات قانونی و مواد الحاقی

اولین قانون مدون اتیوپی که گام بزرگی تاریخی را از دایره حقوق باستانی بسوی
حقوق نوشته جدید برداشت طبعاً نمیتوانست همه موارد را پیش بینی کند و همه امور را تحت
نظم قانونی در آورد. از این جهت در مقدمه قانون جزا تصریح شده بود که ممکن است مواردی
پیش آید که در این قانون نسبت بآن دستور صریحی وجود ندارد، در این صورت باید طبق
مقررات موجود مشابه عمل شود (۱) و بعلاوه دادگاهها باید روشی (۲) را که دادگاه عالی

۱- عمل بقیاس

2- Jurisprudence

برای قطع و فصل دعاوی نسبت بموارد پیش بینی نشده در قانون اتخاذ کرده است. راهنمای خود قرار دهند و در این قسمت دادگاه عالی تعلیمات لازم را خواهد داد.

در آن روز راهی که قانونگذار اتیوپی پیش پای مراجع قضائی برای حل مشکلات میگذاشت بسیار عاقلانه بود و وسیله دیگری هم وجود نداشت ولی این ترتیب که نسبت بزمان خود و با ملاحظه نیازمندیهای مردم آن روز اتیوپی و وسائل موجود در کشور درست بنظر میآمد لازم بود که با گذشت زمان در آن تجدید نظر شود زیرا نه با اصل مسلم رعایت قانون (۱) در مورد بزه ها و مجازاتها که نوعاً در قوانین پیشرفته حکم فرما می باشد سازگار بود (۲) و نه با اصل تفکیک قوای کشور بخلاصه آنکه تنظیم حقوق منحصر بقوه قانونگزاری باشد و از ایجاد قانون بنحوی از انحاء بوسیله قاضی یا مقام دیگر جلوگیری گردد موافقت داشت و میدانیم که در کشورهای دارای حقوق نوشته این اصل از اصول مهمه و مسلمه حقوقی است. مقدمه قانون جزای اتیوپی برای جلوگیری از خطراتی که در نتیجه رعایت اصل قیاس در قانون جزا پیش میآید مقرر داشته بود که لزوم هماهنگی ساختن حقوق جزا را با نیازمندیهای زمان نباید از نظر دور داشت و باید توجه نمود که ترقیات کشور متوقف نمیشود (مواد ۲۵۲ و ۲۵۳ مقدمه قانون) و نیز مقررات خود قانون نشان میداد که نظر قانونگذار اینست که در راهی که بسوی حقوق جدید پیش میرود با احتیاط قدم برداشته شود و این معنی از ماده ۳ قانون راجع بمجازاتهای بدنی و ماده ۱۵ و ۱۴ در خصوص آثار جهل بقانون جدید و ابتکارات آن و مواد ۵۳ و ۵۴ و ۱۵۸ و ۱۵۹ در مورد جزاهای نقدی و مواد ۲۷۳ و ۳۳۹ و ۴۰۵ و ۴۰۴ در خصوص اقسام توهین و ناسزا و دشنام و صدمات بدنی و قتل نفس بخوبی بر میآید.

پس از آنکه دوره اشغال سرزمین اتیوپی بوسیله ایتالیا پایانیها بسر آمد و رژیم ملی در پنجم مه ۱۹۴۲ مجدداً در برقرار شد بموجب اعلامیه‌هایی که در روزنامه رسمی از ۱۹۴۲ تا ۱۹۵۲ انتشار یافت قوانینی در زیر عناوین مختلف بقانون جزا اضافه شد که بذکر بعضی از آنها که اهمیت دارد اکتفا میکنیم.

قانون راجع به بزه‌های مربوط به لغو بردگی، سازمان ارتش و جرمهای نظامی لعنه و تجاوز بامنیت عمومی، سکه قلب و همچنین تقلب در عیار طلا و نقره، نظارت در مواد مخدره و ادویه و مواد مخدره و بازیها و بخت آزمائیها، بخطر انداختن انتظامات عمومی، ولگردی، سازمان زندانها و ترتیب اجراء مجازات سالب آزادی؛ قوانین دیگری هم که کم و بیش با قانون جزا ارتباط دارد از قبیل قانون سازمان قضائی، تأسیس وزارتخانه‌های بنام وزارت

1- Legalité

۲- هیچ عملی را نمیتوان جرم دانست مگر آنچه که بموجب قانون جرم شناخته شده (ماده ۲ قانون کیفر عمومی ایران).

عمومی که میتوان این دو قانون را مربوط بآئین دادرسی دانست. منظور از وضع این قوانین این بود که قبل از تهیه قانون جزای کامل و جامع نسبت باموری که جنبه فوری و فوری داشت مقرراتی وجود داشته باشد.

البته سادگی و اختصار قانون جزای ۱۹۳۰ نقص بزرگی برای آن شمرده میشد بعلاوه خود قانون هم از حیث اصول خالی از معایب نبود و خلاصه‌های زیادی در خصوص تشخیص و تمیز جرمها در آن دیده میشد که هر چه زودتر میبایست پر شود.

در توضیح این نکته باید گفت که در قانون جزای ۱۹۳۰ در قسمت جزای عمومی کتاب اول، مسائل راجع بمنطقه نفوذ قانون ملی و تعارض آن با قوانین کیفری خارجی، موضوع مسئولیت کیفری و شرایط و صور قابلیت مجازات، رفتار با اطفال بزهکار، کیفیت رفتار با بزهکارانی که سابقه ارتکاب جرم دارند و همچنین مسئله مرور زمان تعقیبی یا اجرائی مجازات و چند مبحث مهم دیگر حقوق جزای جهان معاصر که عبارت از تعلیق مجازات، آزادی مشروط و اعاده حیثیت باشد بعلاوه اصول صحیحی که در مورد رفتار با کلیه بزهکاران باید در پیش گرفت لاینحل مانده بود. قسمت جزای خصوصی هم در زمینه بعضی امور از قبیل حقوق بین‌الملل، جرائم مربوط به شغل و وظیفه دولتی، جرائم علیه منافع عمومی مانند بهداشت، وسائل مخابرات و ارتباطات، اداره و جریان امور دادگستری، جرائم علیه اموال و یا علیه منافع اقتصادی مقررات کافی نداشت.

مقدمات تهیه قانون جزای جدید و روش و خط مشی آن

بر حسب بیاناتی که در ۲۶ مارس ۱۹۵۴ از طرف پادشاه اتیوپی هنگام گشایش کارهای کمیسیون مشورتی تهیه قوانین جدید ایراد شد اموری که بر اساس آنها تهیه یک قانون جزای جدید کامل و پیشرفته و روشن اقتضا داشت معین شد و حضور ولیعهد، رئیس کلیسای اتیوپی، اعضاء شورای سلطنتی، وزراء و صاحبمنصبان عالی‌رتبه حکایت از اهمیت مأموریتی داشت که بر عهده این کمیسیون محول شده بود.

در سخنان پادشاه اتیوپی باین نکته توجه شده بود که بعد از تجدید قانون اساسی، بمنظور حفظ سنن و سرمایه‌های معنوی گذشته و تأمین احتیاجات حال و ایجاد آسایش در آینده لازم بود برنامه قانونگذاری وسیع و مترقیانه‌ای مورد عمل قرار گیرد و مجموعه قوانین مدنی و تجاری و جزائی و آئین دادرسی جدیدی که متناسب با مقتضیات و نیازمندیهای زندگی کنونی باشد تهیه گردد. ابتکارات و اصول نوینی که در قانون اساسی آمده و همچنین لزوم ادامه پیشرفت اجتماعی و سیر تکامل جامعه و نیازمندیهای روابط بازرگانی و دریائی مطابقت کامل

سیستم قانونی اتیوپی را با سیستم قانونی کشورهای که با آنها روابط فرهنگی و بازرگانی دارد امری احترازا پذیر و طبیعی میساخت.

اما روش کار مطابق آنچه که در مقدمه قانون توضیح داده شده این بود که دواصل عمده اساسی پیوسته مراعات شود از یک طرف با وجود پایه‌های محکم و استوار حقوق قدیم اتیوپی همچنانکه در تهیه قانون اساسی معمول شده در تدوین قانون جزا هم از توجه بآراء و نظرات حقوقدانان بزرگ اروپا غفلت نشود؛ از طرف دیگر اصول مسلم گذشته و تجاربی که بر اثر زحمت و کوشش بدست آمده است ندانسته و نسنجیده گردانگردد. زیرا گذشت زمان این سرمایه‌ها را بدست مردم سپرده و بقاء و دوام آنها طی قرون و اعصار از ارزش و استحکام آنها حکایت میکند و بنا بر این باید میان این سنتها و عرف و عادات مسلم و اصول عقاید جدید علماء حقوق تلفیقی عاقلانه بشود و بر نوشتن برداشتن از قوانین خارجی اکتفا نکرد زیرا چه بسا که این قوانین برای محیطی که در آنها بوجود آمده بسیار نافع بوده و برای کشوری مانند اتیوپی که شرایط زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دیگری دارد نامناسب باشد.

بطوریکه هنگام مطالعه قانون جزای ۱۹۵۷ ملاحظه خواهیم کرد کمیسیون تدوین قانون سعی داشته قانونی تهیه کند که ابتکاری و برآستی ملی و متناسب با سنتهای عادلانه و جوابده نیازمندیهای زندگی، هماهنگ با امکانات اجرایی باشد. این کار دشوارنوسازی قانون با رعایت احترام به ایمان و عقاید مردم اتیوپی و استفاده از ثمرات تجارب قانونگذاران و حقوقدانان دیگر کشورها با وجود موانعی که در پیش بود انجام یافت و خود کمیسیون تدوین قوانین و هر دو مجلس قانونگزاری تأیید کردند که این قانون با وجود رعایت سنتهای اتیوپی متناسب با مقتضیات حال و آینده میباشد.

بقیه دارد